

نادیده انگاری تفاوت‌های جنسیتی و ارتباط آن با ناسازگاری زوجین

مجتبی محسنا تبار فیروزجائی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

چکیده

از جمله موضوعات مهم در مباحث خانواده؛ شناخت تفاوت‌های جنسیتی و تکوینی زن و مرد است که در ابعاد گوناگون آن می‌تواند مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. این مقاله بر آن است تا با شناسایی دقیق این تفاوت‌ها در ابعاد مختلف فکری، واکنش به تنش‌های روحی، عاطفی و نیازهای طبیعی، علاوه بر اثبات وحدت ارزش انسانی آن‌ها، کارکرد ناهمگونی آن‌ها نیز مشخص می‌شود تا در سایه شناخت این تفاوت‌ها، زوجین زندگی مشترک شادمانه و همزیستی رضایت بخشی را تجربه کنند. پژوهش حاضر به روش اسنادی و به شیوه توصیفی - تحلیلی بر اساس مطالعات منابع علمی و دینی صورت گرفته است. ازدواج پیوند دو فرد متفاوت است که هریک چارچوب منبعی جداگانه دارند و دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و سلیقه‌شان از آن ریشه می‌گیرد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تفاوت‌های زن و مرد تناسب است نه نقض و کمال، قانون خلقت خواسته است با این تفاوت‌ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده‌اند.

واژگان کلیدی

تفاوت زن و مرد، خانواده، تفاوت‌های تکوینی

۱. کارشناس ارشد، گروه معارف اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

مقدمه

یکی از عواملی مهمی که در سازش و کیفیت روابط زوجین تاثیر گذار است شناخت و توجه به تفاوت‌های جنسیتی مرد و زن است. این موضوع از دیرباز تا کنون مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بوده است. این مسئله دسته کم ۲۴۰۰ سال سابقه دارد البته نه به صورت پیوسته و مدون، بلکه مباحثی پیرامون تفاوت زن و مرد مطرح بوده است. افلاطون در کتاب جمهوریت با صراحت کمال مدعی است: زنان و مردان استعداد های مشابهی دارند و زنان نیز می‌توانند همان وظایفی را عهده‌دار شوند که مردان عهده دار می‌شوند و از همان حقوقی بهره‌مند گردند که مردان برخوردار هستند. البته به تفاوت مرد و زن از نظر کمی اعتراف می‌کند ولی مخالف تفاوت کیفی آن‌ها از لحاظ استعداد است (روحانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۸)؛ اما در مقابل، ارسطو سخت با نظر استاد خویش (افلاطون) مخالف است او معتقد است: تفاوت زن و مرد تنها به جنبه های کمی خلاصه نمی‌شود بلکه از نظر کیفی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. او باور دارد نوع استعداد های زن و مرد متفاوت است و وظایفی که قانون خلقت بر عهده هر یک از آن‌ها نهاده و حقوقی که برای آن‌ها در نظر گرفته تفاوت بسیاری باهم دارند. نظرات ارسطو در بسیاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌ها غالب شد و دانشمندانی نیز نظریه ارسطو را بر نظریه افلاطون ترجیح دادند (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۶۶-۶۷).

این دیدگاه بعدها توسط فیلسوفان و اندیشمندانی مانند بیکن، دکارت، لاک، نیچه، روسو و... تا دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفته، اما از آن زمان به بعد عده‌ای با عنوان «نهضت اجتماعی زنان» به شکلی منسجم و برنامه‌ریزی شده به مخالف با تفکر ارسطو پرداختند و به گونه‌ای به دیدگاه افلاطون بازگشتند (حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۶۲).

عده‌ای از افراد یا روشنفکر نماها که به اسم فمینیسم با تأکید بر جنبه انسانی زن، خواهان دستیابی زنان به موقعیت‌های برابر با مردان هستند با مباحث از این قبیل و شنیدن کلمه تفاوت میان زن و مرد سخت رنج می‌برند و چنین گمان می‌کنند که قائل شدن تفاوت برای زن و مرد همان تبعیض جنسیتی و نشانه بی‌عدالتی است.

پیگیری بحث در منابع علمی حاکی از تفاوت‌های متعددی میان دو جنس زن و مرد است؛ چیزی که پیشرفت علوم تجربی مانند روانشناسی فردی و اجتماعی، زیست‌شناسی و پزشکی نیز بر صحت آن مهر تأیید نهاده که فمینیسم‌ها نیز نتوانسته‌اند در مقام انکار آن برآیند؛ به‌خصوص آنکه آگاهی از هویت جنسی - مرد یا زن بودن - به صورت ناقص و ناخودآگاه از ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی در افراد شکل می‌گیرد (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۷۲).

یقیناً تفکرات گروهی که از تفاوت مرد و زن وحشت دارند نتوانستند راز آن را به درستی دریابند و آن‌ها تصور می‌کنند که اصل عدالت ایجاب می‌کند زن و مرد در تمام جهات بایکدیگر برابر و از یک سنخیت باشند درحالی که رعایت اصل عدالت با توجه به ضرورت‌های آفرینش، اقتضاء می‌کند میان زن و مرد تفاوت‌هایی در برخی موارد وجود داشته باشد. اگر قائل به تفکرات این گروه شویم ورود به این بحث از هر منشأ و جریانی برابر است با ستمگری و تبعیض! درحالی که اگر به این صورت باشد تساوی در جمیع موارد بدون در نظر گرفتن مصلحت و طبیعت آفرینش این دو جنس، خود یک رویکرد یکسان‌نگری مطلق به‌وجود می‌آورد که راه را برای بی‌عدالتی بر زنان می‌گشاید.

در ادوار گذشته تفاوت میان مرد و زن در دو عامل کلی «عقل» و «احساسات» خلاصه می‌شد اما امروزه با پیشرفت فناوری جدید و تخصصی‌تر شدن علوم، دوگانگی بیشتری بین زن و مرد از نظر ساختار و کارکردها ادعا و در مواردی به اثبات رسید به‌طوری که برخی از دانشمندان و محققان برای زن و مرد دنیای جداگانه‌ای قائل شدند. پرفسور ریک روانشناس معروف امریکایی معتقد است: دنیای زن و مرد تفاوت زیادی باهم دارند، اگر زن نمی‌تواند مانند مرد تفکر

کند یا اعمالی را انجام دهد بدین علت است که دنیای آن‌ها باهم متفاوت است. او مقایسه‌هایی میان زن و مرد انجام داده و تفاوت‌هایی را برمی‌شمارد و این تفاوت‌ها را مکمل آن‌ها می‌خواند و تفکر مانند هم زیستن را غیر ممکن می‌داند (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۱۶۶-۱۶۷).

از تذکر این نکته ناگذیریم که بحث‌های مطرح شده در این بخش به هیچ وجه نشان دادن برتری جنسی بر جنس دیگر نیست؛ بلکه دلیلی بر الگوهای رفتاری مشخصی که هر دو جنس به آن تمایل دارند و دانستن آن‌ها منجر به درک متقابل و بهتر زیستی زن و مرد از رفتارهای یکدیگر و واکنش مناسب در مقابل این رفتارها را سبب می‌شود. همچنین باید خاطر نشان کرد در این پژوهش فقط درخصوص میزان تفاوت‌ها صحبت می‌شود نه تفاوت مطلق و حتمی این دو جنس! و با وجود تمام این حقایق و مطالعات روانشناسانه، ممکن است موارد بیان شده در برخی افراد صدق نکند آن هم به پیچیدگی و تفاوت اقلیم، تربیت و توانمندی افراد برمی‌گردد.

اهداف اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- شناخت ابعاد تفاوت زن و مرد در کنار اثبات وحدت وجودی و ارزش انسانی آنان

۲- برآورد تاثیر تفاوت‌ها جنسیتی در بروز ناسازگاری زوجین

دوگانگی زن و مرد از منظر دین

از نظر منطق اسلامی و دینی، زن و مرد از نظر حقوق انسانی برابراند و وجود تفاوت‌هایی که به طبع فطرت در وجود آن‌ها نهادینه شده موجب پیدایش وظایف اجتماعی و حقوق و حکم اسلامی در مواردی شده است. قرآن کریم در آیه ۱ سوره نسا به اشتراک اصل ذات و گوهر انسانی زن و مرد اشاره می‌کند و بیان دارد: «همان کسی که شما را از یک نفس (آدم) آفرید و همسرش را از نوع او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را را پدید آورد؛» اما در کنار این اشتراک وجودی، تفاوت‌هایی از نظر روانی و جسمی و عاطفی بایکدیگر دارند. امام باقر می‌فرماید: «هر کس همسری بر می‌گزیند، باید او را تکریم کند. همانا زنان شما طناز و دل‌ربایند. هر کس با آن‌ها ازدواج کرد نباید، آنان را ضایع کند» (مجلسی، ۱۳۶۸ ج ۱۰۰، ص ۲۲۴) این روایت در زمینه مهارت و نیاز کلامی زنان سخن می‌گوید و طنازی و دلربایی را به مختص زنان می‌داند. آگاهی آقایان از این خصوصیت به آنان کمک می‌کند تا بهتر به تفاوت میان خود و همسرانشان و نیازهای آن‌ها پی‌ببرند و رفتار شایسته‌تری در برآورده ساختن آن از خود نشان‌دهند.

همچنین در آیه ۱۳ حجرات قرآن آمده «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست، همانا خدا دانای خبیر است» در این آیه به سه اصل مهم اشاره شده است: اصل مساوات در آفرینش زن و مرد، اصل تفاوت در ویژگی‌های بشری و اصل این که تقوا ملاک برتری است. این تفاوت‌هایی که در ویژگی‌های جسمی و جنسی، اخلاق و کردار زن و مرد دیده می‌شود حکیمانه و عاملی برای جذب این دو جنس به یکدیگر است نه برای ایجاد تبعیض و امتیاز و برتری جنسی بر جنس دیگر. قرآن کریم، تمام تبعیض‌های نژادی، حزبی، قومی، فکری، فرهنگی و اجتماعی را مردود می‌شمارد و ملاک فضیلت را تقوا می‌داند.

به هر حال آیات فراوانی بر تساوی کامل هویت انسانی بین زن و مرد دلالت می‌کند. متأسفانه قطع ارتباط با اهل بیت (ع) که آگاهان به قرآن و تأویل آیات آن هستند موجب شد ذهن‌های پرشش‌گر و حقیقت‌جو گام خود را از آب مسموم و

آلوده‌ای که با دست دانشمندان یهودی به آنان تقدیم شده سیرآب سازند تا در نتیجه حقیقت آن‌چنان که باید شناخته نشود (علاسوند، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

بر این اساس در اصل تفاوت میان زن و مرد جای هیچ شبهه و تردیدی نیست. با پذیرفتن این اصل حکیمانه سخن از ابعاد آن به وجود می‌آید و باید به ابعاد دوگانگی میان زن و مرد پرداخت:

دوگانگی‌های ذاتی زنان و مردان

توانایی و استعدادهای ذاتی زن و مرد برابر نیست؛ چراکه زنان و مردان از لحاظ سیستم هورمونی بدن و ساختار مغز باهم متفاوت هستند. به عبارت دیگر زن و مرد ارزشی برابر داشته اما تفاوت‌هایی در زمینه‌های زیستی دارند (محمودی، ۱۳۹۲، ص ۷۲). این واقعیت طلب می‌کند که زن و مرد هم‌فهمی و هم‌پذیری را جایگزین خودبینی و ناسازگاری کنند چه در غیر این صورت، هرگز اهداف و امتیازات مترتب بر ازدواج محقق نخواهد شد.

۱- دوگانگی در ساختار مغز و تفکر

در مغز زنان اتصالات و ارتباطات بیشتری در نیم کره چپ و راست وجود دارد که به آن‌ها توانایی مهارت گفتاری بهتری نسبت به مردان می‌دهد زنان برای این که با مشکلات خود سازگاری پیدا کنند نیاز دارند تا درباره آن‌ها گفت‌گو کنند. فرایند گفت‌گو همه‌ی اضطراب و نگرانی‌ها را از وجود زن پاک می‌کند. اگر خانمی در پایان روز با شوهرش صحبت می‌کند، فقط نیاز دارد به حرف‌های او گوش سپرده شود؛ به دنبال یافتن راه حل نبوده و نمی‌خواهد موافقت او را کسب کند (رحماندوست، ۱۳۹۷، ص ۵۳-۵۴).

اغلب مردان، با افکار خود گفتگو می‌کنند؛ چراکه آن‌ها توانایی کلامی زنانه را ندارند تا بتوانند با جهان پیرامون خود ارتباط بیشتر برقرار کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وقتی مردی از پنجره به بیرون خیره می‌شود با خود در ذهنش در حال گفت‌گو است. مغز مردان به قسمت‌های جداگانه‌ای تقسیم بندی شده و قادر است اطلاعات را تفکیک و ذخیره نماید. در پایان یک روز پردردسر، مغز مرد تمام مشکلات را به راحتی در یک فهرست ذهنی جمع‌آوری و در اتاق انتظار قرار می‌دهد. درحالی که مغز زنان نمی‌تواند اطلاعات را به همین روش نگه‌داری کند، به ناچار زنان مشکلات (قضایای) سپری شده در طی روز را، مدام در ذهن خود مرور می‌کنند. (قرائت، ۱۳۸۷، ص ۸-۱۲).

مردان اغلب در روابط خود، از مکالمه به شیوه‌ای رقابتی برای ایجاد تسلط در یک رابطه استفاده می‌کنند. درحالی که زنان متمایل به استفاده از مکالمه به شیوه‌ای ارتباطی و پیونددهنده هستند. مردان کمتر به گوش‌دادن و بیشتر بر رانه راه‌حل متمرکز هستند اما خانم‌ها از رفتارهای گوش‌دادن فعال، تایید و پرسیدن سوال‌های مرتبط با موضوع استفاده می‌کنند (شعاع کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵).

به عبارت دیگر در ارتباطات، زن ترجیحات و نیازهای خود را بازتاب می‌دهد از آن‌جا که او نشانه‌های بارز حمایت عاطفی را ارتباط کلامی می‌داند بدین علت بر این باور است با پرسیدن از تجارب روزانه شوهرش به نیازهای روحی او پاسخ می‌دهد. این در حالی است که مرد آرامش روحی را از طریق مراعات کردن حریم شخصی تعریف و تبیین کرده و بر این اساس حتی الامکان تلاش می‌کند خلوت همسر خود را مخدوش نکند (گری، ترجمه رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۴۱). این تمایز میل به گفت‌گو، در پایان روز زمانی که زن و مرد در خانه به سر می‌برند اسباب رنجش دوسویه را فراهم می‌آورد؛ چراکه زن نیاز دارد حرف بزند، جستجو و پرسش کند درحالی که مرد در این وضعیت احساس می‌کند مورد بازجویی قرار گرفته است.

خانم‌ها با صدای بلند فکر کردن را اقدامی دوستانه تعبیر کرده و به همین علت دیگران را در افکارشان شریک می‌نمایند (رحیمی یگانه، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱). مردان این موضوع را به نحو دیگری می‌نگرند، آقایان گمان می‌کنند زن فهرستی از مشکلات را جلوی ایشان قرار داده تا برای او راه حلی بیابند (دی‌آنجلس، ترجمه صباغی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵). از این رو مرد سعی می‌کند تا با نشان دادن راه‌حل، روحیه او را بهبود بخشد. زمانی که احساس می‌کند همسر او از این حرکت با احساس قدردانی نمی‌کند با بی‌توجهی به اعتراض او که چرا به سخنان او بدرستی گوش نمی‌دهد دوباره با کلافگی همان کار را (راه‌حل دادن) تکرار می‌کند. در حالی که خانم‌ها از حرف زدن فقط به عنوان یک عنصر ایجاد ارتباط و استحکام روابط سود می‌برند (گری، ترجمه عندلیب، ۱۳۹۲، ص ۹).

غالباً مغز و ذهن مردان تک کاره و طبقه بندی شده است. به همین دلیل برخی اوقات کارهایی که به او سپرده می‌شود را فراموش می‌کند این مسئله نه به دلیل این است که شما برای او اهمیت ندارید، بلکه به این دلیل است که در آن زمان خاص (یا موقع برگشت) ذهن همسران به طور کامل درگیر کار بوده و امکان باز کردن کشوی شما و ثبت خواسته تان بسیار سخت و یا امکان پذیر نبوده است. در مقابل **ذهن زنان دارای لیستی از کارهای پایان ناپذیر است و کارهای زیادی برای انجام دادن دارند.** مغز آن‌ها قادر است به طور خودکار در آن واحد به همه آن‌ها برسد. به همین دلیل است که معمولاً، در هر مشکل و اختلافی معمولاً، حوادث و وقایع تلخ گذشته را نیز به میان می‌آورد (ساداتیان، ۱۳۹۲، ص ۳۱-۳۲).

بدان علت که مردان از ویژگی تمرکزگرایانه رنج می‌برند همزمان نمی‌توانند از پس انجام دو یا چند کار در آن واحد برآیند از این رو وقتی مشغول گفت‌گویی با تلفن یا متمرکز بر تماشای تلویزیون می‌شوند زمانی که همسرشان تمرکز آن‌ها را بهم بزنند مردان شدیداً از این کار ناراحت می‌شوند (گری، ترجمه رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۶). اما در طرف مقابل زنان به علت ویژگی انبساطی خود این توانایی را دارند که در هنگام گفتگو با شخص دیگر، صحبت نفر سومی را نیز بشنوند و یا بطور همزمان در چند بحث شرکت کنند، آنان می‌توانند توجه و هوشیاری خود را همزمان متوجه انجام چند کار نمایند. افزون بر آن در پیدا کردن اجسام مهارت ویژه‌ای دارند به آسانی قادر به یافتن اجسام در قسمت‌های مختلف خانه هستند (قرائت، ۱۳۸۷، ص ۴-۸).

علت این موارد هم این است که دو نیمکره‌ی چپ و راست مغز توسط رشته‌های عصبی، به نام «جسم پینه‌ای» به یکدیگر متصل شده‌اند. این رشته‌های پیوندی، امکان ارتباط و تبادل اطلاعات را بین دو نیمکره مغز ایجاد می‌کند. جسم پینه‌ای در مغز زنان نسبت به مغز مردان ضخیم‌تر است لذا در زنان ارتباط بین دو نیمکره ۳۰ درصد بیشتر از مردان برقرار می‌شود. به همین علت زنان می‌توانند فعالیت‌های مختلف را به صورت هم‌زمان انجام دهند درست برعکس، مردان متمایلند کارها را به طور ردیف شده، پشت سرهم، آن هم دقیقاً یکی پس از دیگری، انجام دهند (ساداتیان، ۱۳۹۲، ص ۲۴).

۲- دوغانگی در نحوه تصمیم‌گیری

با توجه به خصیصه فرانگری و باز اندیشی، خانم‌ها معمولاً درگیر جزئیات می‌شوند این رفتار فطری خانم‌ها سبب می‌شود دوباره انجام دادن یک کار یا گرفتن تصمیم، بارها و بارها به آن فکر کنند؛ به همین دلیل قبل از رسیدن به تصمیمی، آن را با اطرافیان در میان گذاشته و مشورت می‌کنند (رحماندوست، ۱۳۹۲، ص ۶۰). مردان برای رسیدن به یک تصمیم، در وهله اول به تنهایی مسئله را در ذهن خود مورد بررسی قرار داده و پس از آن، دیگران را از خلاصه و نتیجه تفکر خود با خبر می‌سازند (گری، ترجمه رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۶).

غالباً مردان تمایل دارند مشکلات خویش را خود حل کنند و کمتر کسی را به مشورت بگیرند چون می‌خواهند از این راه توانایی و شایستگی خود را به دیگران ثابت کنند از این رو تمایل ندارند کسی برای آن‌ها تعیین تکلیف کند یا در کار آن‌ها دخالت نماید اما همانطور که بیان شد در مورد زنان عکس این قضیه صدق می‌کند (دی‌آنجلیس، صباغی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲-۱۳۵).

افزو بر این موارد مردان به علت تمرکز کامل بر مشکلات، خیلی سریع قادر به تصمیم‌گیری هستند و ابتدا تصمیم می‌گیرند بعد آماده هستند بر مبنای اطلاعات دیگران تصمیم خود را عوض کنند (رحماندوست، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰). بنابراین توجه به تفاوتی که از نیاز مشارکت و فرانگری خانم‌ها نشأت می‌گیرد و تلاش برای تأمین آن، می‌تواند عامل مهمی در سازگاری زوجین تلقی شود و همینطور آگاهی و درک خانم‌ها از این نکته که مرد براساس ویژگی کلی‌نگری خود، بر کلیات تمرکز می‌کند و توضیح ندادن برخی موارد در زندگی مشترک چندان دور از انتظار نیست، به میزان قابل توجهی می‌تواند از اختلافات زندگی زناشویی بکاهد.

۳- دوگانگی در رویارویی با تنش‌های روحی روانی

زنان تاثیر پذیری بیشتری نسبت به مردان در برابر استرس دارند بر اساس تحقیقات ۱۵ درصد مردان و ۲۱ درصد زنان از فشار روانی رنج می‌برند (شعاع کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۲۵). از نظر واکنش در مقابل هیجانات روحی و روانی، تفاوت‌هایی میان زن و مرد مشاهده می‌شود. بسیاری از شواهد حکایت از این دارد که خودگشایی و تخلیه احساسی و هیجانی، نقش مهمی را در بهداشت روحی و جسمی زن ایفا می‌کند این درحالی است که مردان آشکارا خودگرا، خودجوش، انزوا طلب و سکوت‌گرا هستند این درحالی است که زنان برخلاف مردان، محسوساً ارتباط‌گرا و خودگشا هستند (گری، ترجمه رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۳۸).

آقایان زمانی که با نگرانی و مشکلات مواجه می‌شوند آن مسئله چنان توجه و تمرکز مرد را به خود معطوف می‌کند که به صورت غیر ارادی از مسایل پیرامون خود غافل شده و مسئولیت‌های دیگر در نظرشان کمرنگ‌تر می‌شود. اگر راه‌حلی برای مشکل پیدا نکنند در پناهگاه خود گیر می‌کنند و برای تحت الشعاع قرار دادن فشارهای روحی به کارهای کوچکی مانند تماشای تلویزیون یا ماهیگیری تمایل پیدا می‌کنند چون این ابزار از کارکرد مهار استرس فزاینده برخوردار هستند (گری، ترجمه عندلیب، ۱۳۹۲، ص ۳۰).

در مقابل آگاهی و هوشیاری انبساطی و همه جانبه زنان سبب می‌شود در شرایط استرس‌زدگی اولییتی برای بیان مباحث خود در نظر بگیرند و غالباً با هیجانی فزاینده، ناراحتی خود را در تمام زمینه‌ها تسری می‌دهند و خود را غرق در مسئله می‌کنند (رحیمی یگانه، ۱۳۸۹، ص ۹). با این حال خداوند با توجه به این خصیصه و ویژگی زن، برای او صبر و تحمل بیشتری نسبت به مرد قرار داده است. امام صادق می‌فرماید: «خداوند برای زن صبر ده مرد را قرار داده است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۳۹).

خانم‌ها به دنبال راه حل سریع برای مشکلش نیستند، بلکه به دنبال رسیدن به آرامش از طریق صحبت درمورد آن موضوع هستند که از طریق تفصیل دادن مسایل مختلف به این امر دست می‌آید و با بررسی احساسات خود، از آنچه او را ناراحت کرده آگاه شده و ناگهان به احساس آرامش بیشتری می‌رسد (رحماندوست، ۱۳۹۲، ص ۵۹).

به عبارت دیگر فرآیند مطرح کردن مسایل بدون داشتن هدف خاص در خانم‌ها، برای مردان امروزی مفهومی بیگانه است؛ زیرا آنان نمی‌دانند که چگونه می‌توان با برقراری ارتباط، دل‌داری و شنونده بودن زن را مورد حمایت قرار داد.

مرد ها باید بدانند خانم‌ها در چنین مواقعی تشنه محبت و عشق هستند و به موعظه و راه‌حل نیاز ندارند. همچنین خانم‌ها باید آگاه باشند تمرکز مرد هرگز مقیاس درستی برای اندازه گیری عشق و علاقه او نیست. زمانی که مرد با مشکلی مواجه شود این حالت طبیعی او است که تمرکز بیشتری بر آن مسئله گذارد و به معنای بی‌توجهی به او نیست با این تفسیر درست رنجشی برای او پیش نمی‌آید. درک و پذیرش این تفاوت‌ها هم سبب بروز رفتار شایسته و صمیمیت زوجین و هم موجب تجربه موفق از پشت‌سر گذاشتن استرس‌ها و ناملایمات زندگی می‌شود.

۴- دوگانگی عاطفی

زن و مرد هر دو از احساسات و عواطف برخوردار هستند هم می‌خواهند مورد دوست داشته‌شدن واقع شوند و هم دیگری را دوست بدارند؛ اما ابراز احساسات و صمیمیت در زنان و مردان متفاوت است. آموزه‌های دینی ما مودت و رحمت میان اعضای خانواده به ویژه در روابط زوجین را بنیادی‌ترین عنصر استحکام روابط معرفی نمودند. روایتی در این مورد از پیامبر اکرم وجود دارد: «این که مرد به همسرش بگوید: «من تو را دوست دارم» هیچ گاه از قلب همسرش بیرون نخواهد رفت» (کلینی، ۱۳۷۵ هـ.ش، ج ۵، ص ۵۶۹). در این میان زنان به مهر و محبت و توجه بیشتری نیاز دارند همانطور که پیامبر اکرم فرمود مرد با ابراز محبت و به کارگیری الفاظ عاطفی این نیاز او را برآورده سازد.

مغز زن به صورتی سازمان یافته که بتواند به طور موثرتری احساسات خود را ابراز کند از این رو صحبت کردن از زن جدا نشدنی است (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۸). از این رو زمانی که ناراحت باشند عزم خودشان را برای صحبت و توضیح در خصوص آن موضوع آماده کرده و ساعت‌ها به گفت‌گو در مورد آن می‌پردازند.

همان‌طور که بیان شد فرایند گفت‌گو برای زنان یکی از مهم‌ترین ابزار انتقال عواطف است از این رو نامناسب‌ترین کار ارائه راه‌حل و بحث و جدل بر درستی یا اهمیت احساسات وی است. درحالی که مردان از گفت‌گو برای حل مشکلی استفاده می‌کنند (قراچه داغی، ۱۳۹۹، ص ۲۴). مردان ترجیح می‌دهند خودشان مشکلات خود را حل کنند و در مورد احساسات و افکاری که دارند با کسی صحبت نکنند؛ علت آن هم به دوران کودکی و نحوه آموزشی و پرورش آنها برمی‌گردد که بار مسئولیت تمام کارها بر عهده آنها است. این کار به آنها احساس توانمندی و قهرمان بودن می‌دهد. (دی‌آنجلیس، صباغی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۲-۱۵۳).

زنان صمیمیت را به صورت عاطفه و ابراز احساسات گرم نشان می‌دهند، درحالی که مردان صمیمیت را بیشتر مشارکت در فعالیت‌ها، نزدیکی بدنی و رفتارهای جنسی می‌دانند. همچنین پژوهش دیگری نشان داد که مردان از اینکه نمی‌توانند درباره مسائل شخصی و عاطفی خود صحبت کنند، ناراضی‌اند و فقط در صورتی که شریک زندگی آنها خواهان تعاملی بسیار صمیمی باشد، می‌توانند رفتارهای صمیمانه‌تر نشان دهند (صادقی فسائی و...، ۱۳۹۲، ص ۳).

توجه و آگاهی به دوگانگی زن و مرد در نیازهای عاطفی، نقش موثری در رضایت‌مندی آنها در زندگی مشترک ایفا می‌کند. مردان با تصویر کشیدن عشق و علاقه خود نسبت به همسر و گوش سپردن به سخنان آنها بدون ارائه راه‌حل فوری می‌توانند پاسخ خوبی به عواطف درونی همسرشان بدهند و همچنین زنان با قدردانی و دادن فضای مناسب برای حرف زدن به او می‌توانند صمیمیت میان خود را افزوده و همدم خوبی برای شریک زندگیشان باشند.

۵- دوگانگی در نیازهای طبیعی

آمار بالای طلاق بدین معنی نیست که در عصر جدید علاقه انسان‌ها به ازدواج کاهش پیدا کرده است. برخلاف این پندار نادرست، این امر نشان می‌دهد توقعات احساسی زن و مرد از یکدیگر نسبت به گذشته تغییر کرده و بیشتر شده

است. درواقع گواه از تمایل های اغنا نشده دریافت مهر و محبت از شریک زندگی است. اگر آتش عشق و محبت از زندگی زوجین رخت بپند زن و مرد رنج طلاق را به از دست رفتن احساسشان ترجیح می دهند. دست یابی به مهر و محبت همسر، امری ممکن است اما متاسفانه زوجین از مهارت های لازم برای کسب کامل نیاز های احساسی خود محروم اند.

عموماً زن و مرد از نیازهای احساسی متفاوت خود آگاهی چندانی ندارند؛ بنابراین نمی توانند بدرستی از یکدیگر حمایت کنند. زوجین در رابطه زناشویی، الگویی از آنچه که خودشان می خواهند ارایه می دهند آن ها به اشتباه گمان می کنند نیازها و تمایل هایی مشابه دارند ولی درواقع هر دو از رفتارهای ریز و درشت هم رنجیده می شوند و هر دو احساس می کنند در عوض آنچه که از خود مایه می گذارند ثمره ای برداشت نکرده و عشقشان درک نمی شود؛ اما در واقعیت هر دو به طرف مقابل علاقه خود را ارزانی می کنند؛ اما نه به صورتی که شریک زندگی شان لازم دارد (گری، ترجمه عندلیب، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷).

بسیاری از نیازهای احساسی انسان ها را می توان در قالب احتیاج به عشق و مودت خلاصه کرد. هر یک از زن و مرد شش نیاز عشقی منحصر به فرد دارند که همه آن ها به یک اندازه دارای اهمیت هستند.

آنچه زن نیاز به دریافت آن دارد	آنچه مرد نیاز به دریافت آن دارد
۱. توجه و علاقه	۱. اعتماد و اطمینان
۲. درک شدن	۲. تأیید و پذیرش
۳. احترام	۳. قدردانی
۴. صمیمیت	۴. تحسین
۵. ارزشمندی و اعتبار	۵. تصدیق و مقبول واقع شدن
۶. قوت قلب	۶. تشویق

شناسایی و اختصاص شش نیاز اصلی زن ها بدان معنا نیست که مرد ها به این شش مورد احتیاج ندارند. مرد ها هم به علاقه و توجه، درک شدن، احترام و صمیمیت و اعتبار و قوت قلب احتیاج دارند. یا عکس این موضوع در مورد خانم ها نیز صدق می کند. بهترین درکی که می توان از این تنوع نیاز به مودت و عشق داشت این که بدانیم دوجانبه است. برای مثال هنگامی که یک مرد علاقه و مهر خود را نشان دهد، زن هم برای جبران، اعتماد و پذیرشی را که مورد نیاز مرد است تأمین می نماید.

برای روشن سازی هرچه بهتر طبیعت این نیازها، به تفسیر آن ها می پردازیم:

- توجه و اعتماد و پذیرش

زن برای خودپذیری و پویایی نیاز به توجه، عشق و علاقه شوهر دارد (گری، ترجمه رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۱). زمانی که یک مرد به احساسات صمیمانه همسرش علاقه نشان دهد زن حس می کند که شوهرش او را دوست داشته و از احساساتش مراقبت می کند. در نتیجه مرد با پشتیبانی حس ویژه ای به زن منتقل کرده و موفق شده نخستین نیاز اساسی زن را برآورده سازد. وقتی برداشت زن از شوهرش، فردی بدون تعصب و پذیرنده باشد احساس اطمینان مورد نیاز مرد را محقق می سازد (گری، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۴). اعتماد داشتن به یک مرد باور کردن این نکته است او که بیشترین تلاش خود را برای سعادت شریک زندگی اش به عمل می آورد. زمانی که رفتار زن نشان دهد به توانایی ها و

خواسته‌های همسرش اطمینان دارد نخستین نیاز عشقی مرد برآورده می‌شود (قراث، ۱۳۸۷، ص ۶۱). زن نیز نیازمند آن است که اعتماد کامل به مرد داشته باشد و این امر زمانی حاصل می‌شود که همسرش اطلاعات صحیحی در مورد کارهایی که انجام می‌دهد و برنامه‌ریزی‌هایی که برای آینده دارد در اختیار او قرار دهد. زمانی که این عامل در رفتار شوهر تثبیت شود زن قادر خواهد بود با شوهرش در مورد موضوعات گوناگون گفت‌گو کند و به احساس اطمینان و اعتماد دست یابد (هارلی اف، ترجمه ماندگار، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰-۱۷۱).

تعلق خاطر زنان به احساسات از جهات مختلف موجب شده زنان به درک شدن، بیشتر از مردان نیاز داشته باشند؛ چون از طریق درک شدن زن می‌تواند با اعتبار بخشیدن به احساسات و افکار خود علاوه بر آشکار سازی، آن‌ها را مورد پردازش قرار دهد تا احساس بهتری را تجربه کند (گری، ترجمه رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۲)؛ بنابراین وقتی یک مرد با برخورد همدلانه به احساسات همسر گوش فرا دهد، خانم احساس می‌کند همسرش پیام را دریافت کرده و درک شده است. هرچه نیاز یک زن به شنیده شدن و فهمیده شدن بیشتر تحقق یابد، صادقانه‌تر می‌تواند پذیرشی را که مورد نیاز مرد است به او ارزانی کند. هنگامی که زن شوهرش را تصدیق کند بدون آن‌که به عمد بخواهد او را تغییر دهد، مرد احساس مقبولیت می‌کند. حس می‌کند زن مورد علاقه‌اش او را پذیرفته و به شایستگی و صلاحیت او ایمان دارد و این بدان معنا نیست که زن او را کاملاً بدون عیب و نقص بداند بلکه نشانه این است که زن سعی در بهبود و اصلاح مرد نمی‌کند بلکه به او اعتماد کرده تا برای بهبود شرایط گام بردارد. وقتی مردی دریابد که مورد پذیرش واقع شده، راحت‌تر می‌تواند شنونده مورد تصور خانم باشد و درک شدنی که او بدان نیاز داشته و سزاوار آن است به او عطا کند (گری، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۵).

- احترام و قدردانی

در آموزه‌های اسلامی همواره به زن و شوهر توصیه‌هایی در مورد تکریم و احترام نسبت به یکدیگر شده است. امام صادق در مورد اهمیت احترام بین زن و شوهر می‌فرماید: «هر زنی که به شوهرش احترام بگذارد و آزارش نرساند، خوشبخت و سعادتمند خواهد بود و همینطور هر مردی که همسری اختیار می‌کند، باید او را اکرام و احترام کند» (مجلسی، ۱۳۶۸ هـ. ش، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳؛ همان، ج ۷۳، ص ۸۵). زمانی که یک مرد در برخورد با همسرش به حقوق، افکار و خواسته‌های او اعتبار بخشد، خانم احساس محترم بودن می‌کند. بیانات محترمانه و صادقانه مرد مانند هدیه دادن و به خاطر داشتن سالگردها برای اجابت سومین نیاز اصلی زن ضرورت دارد. وقتی زن حس احترام را کسب کند. با خیال راحت‌تر می‌تواند از شوهر خود تشکر و قدردانی نماید (گری، ترجمه عندلیب، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲). مرد به شدت به چنین چیزی نیاز دارد؛ چرا که مرد برخلاف زن خودپذیری و آرامش ذهنی خود را از راه توانایی و شایستگی‌های مردانه تأمین می‌کنند. اگر از مردی قدرشناسی شود نه تنها پویایی او تقویت شده بلکه تلاش‌های خدمت‌محورانه او نیز افزایش می‌یابد؛ چون به این باور می‌رسد که در زندگی دیگران نقش مهمی ایفا می‌کند (گری، رحمتی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۵-۳۵۶). امام سجاد می‌فرماید: «حق زن این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی از جانب اوست. پس احترامش کن و با او مدارا نما، هر چند حق تو بر او واجب‌تر است اما این حق اوست که با او مهربان باشی» (حرعاملی، ۱۴۱۶ هـ. ق، ص، ج ۱۵، ص ۱۷۲). وقتی زن از رفتار و تلاش مرد برخوردار شده از او قدردانی می‌کند این سپاس‌گذاری، واکنش طبیعی زن به مورد مراقبت و حمایت قرار گرفتن است. وقتی از مردی قدردانی شود او نیز انگیزه کافی برای احترام گذاشتن به شریک زندگی خود می‌یابد (گری، ترجمه عندلیب، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲).

- صمیمیت و تحسین

هنگامی که مرد نیازهای همسر را جزء اولویت‌های خود قرار داده و با افتخار خود را به اجابت خواسته‌های او معتهد می‌سازد چهارمین نیاز عشقی او برآورده می‌شود. زن به چیزی بیشتر از مشارکت و حضور همسرش در روابط احتیاج دارد تا احساس خود را با واژه و رفتارهای محبت آمیز بیان کند. وقتی زن دریابد مهم‌ترین فرد زندگی همسرش است محرک خود برای تحسین شوهرش پیدا می‌کند (شعاع کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۷۳).

به همان نحو که زن به صمیمیت مرد احتیاج دارد مرد نیز به تحسین و تمجید صادقانه نیازمند است؛ زیرا در کودکی چنین یاد گرفته‌اند که باید همه کارها را به خوبی تمام کنند. البته این تحسین و تمجید به دلیل موفقیت‌ها و کامیابی‌های آنان نیست؛ بلکه این یک نیاز ذاتی، برای آنان محسوب می‌شود تحسین کردن مرد، مستلزم تصدیق و تأیید و رضایت‌خاطر زن است. مرد زمانی احساس تحسین می‌کند که زن برای ویژگی‌های منحصر به فرد، شایستگی‌ها، خلق و خو، رفتارهای محبت‌آمیز، مقاومت و استحکام او ارزش قائل شود. وقتی مرد مورد تمجید قرار می‌گیرد به اندازه کافی احساس امنیت می‌کند تا خود را وقف همسرش کرده و در مقام ستایش او برآید (دی‌انجلیس، ترجمه صباغی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰-۱۴۸).

- اعتبار و تأیید

وقتی مرد با احساسات و خواسته‌های زن مبارزه نکند و به جای آن احساسات و خواسته‌های او را معتبر بداند، زن به اطمینان خاطر می‌رسد که شوهرش او را دوست دارند؛ و پنجمین نیاز عشقی خود را در زندگی مشترک کسب می‌کند. هر مردی فطرتاً می‌خواهد در نظر همسرش قهرمان به نظر برسد. تنها تأیید زن است که می‌تواند مرد را به خواسته‌ی قلبی خود برساند. تأیید مرد، تجسس و کشف دلایل پنهان‌شده مفیدی است در پس آن چه انجام می‌دهد. این عامل او را نسبت به ارتقای قابلیت‌های خود امیدوار و کوشش برای پیشرفت ترغیب می‌کند به این صورت در خودش توانایی برعهده گرفتن وظایف تازه و یادگیری مهارت‌های بیشتر را می‌بیند. مردی که مورد تشویق قرار می‌گیرد به بهترین سطح خود می‌رسد و واکنش شایسته‌تری به احساسات همسر خود نشان می‌دهد (هارلی اف، ترجمه ماندگار، ۱۳۹۰، ص ۳۱۲).

- تکیه‌خواهی و تکیه‌گاهی

عموماً خانم‌ها برای اطمینان از تداوم رابطه با همسرشان به احساس امنیت نیاز دارند آن‌ها به صورت غریزی مردان را وادار به انجام کارهایی می‌کنند تا به این حس امنیت دست یابند. زمانی که یک مرد در نشان دادن علاقه‌مندی خود به همسر، ممارست ورزد و برای او فداکاری کند با چنین رفتارهای اطمینان‌آمیزی به زن مورد علاقه‌اش می‌فهماند که برای همیشه در قلب او جا دارد و یکی دیگر از نیازهای اساسی زن که قوت قلب است اجابت می‌شود (شعاع کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۶۹-۷۲). وقتی مردی یک بار این اطمینان‌خاطر را به همسر خود داده به اشتباه گمان می‌کند که زن را راضی کرده و از این پس باید برای همیشه بداند که او را عاشقانه دوست دارد؛ اما این تفکر اشتباهی است. مرد باید به خاطر داشته باشد که برای اجابت این خواسته همسر، باید همواره به او تضمین دوباره بدهد (گری، ترجمه عنذلیب، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴).

بر این اساس زوجین می‌توانند با آگاهی از این تفاوت‌ها در روابط خود سازگاری، پویایی و آرامش بیشتری را تجربه نمایند. آن‌ها در مرحله اول باید به فردیت و هویت طرف مقابل احترام گذاشته و در ثانی با پاسخ دادن به نیازهای اساسی همسر برای سعادت زندگی زناشویی تلاش نمایند. ناگفته نماند که نیازهای مردان و زنان تنها منحصر به نیازهای اصلی نبوده بلکه نیازهای ثانویه‌ای هم دارند که باید به آن‌ها نیز رسیدگی شود.

نتیجه‌گیری

زن و مرد در ماهیت و جوهره وجود تفاوت و برتری نسبت به یکدیگر ندارند و هر دو از گوهر انسانی مشترکی برخوردار هستند؛ اما تفاوت‌هایی بر اساس اصل حکیمانه خلقت در طبیعت زن و مرد وجود دارد که شناسایی و درک هر یک از آن‌ها در سازگاری زوجین و تداوم نهاد خانواده کارکرد موثری دارد و برخلاف بعضی جریان‌ها و تفکرها جنسیتی و فمینیسمی که به دنبال برابری مطلق هستند که به نوبه خود سبب نابرابری‌هایی مخصوصاً برای خانم‌ها می‌شود و همینطور آسیب‌پذیری هر دو جنس را به شدت شبیه یکدیگر می‌کند. درحالی‌که بر اساس حکمت الهی مرد و زن باید در برابر نامایمات زندگی یکدیگر را پوشش دهند و نقصان دیگری را با صفات وجودی خود تکمیل نمایند. این دوگانگی را می‌توان در ابعاد مختلف فکری، عاطفی، جسمی، نیازهای طبیعی و واکنش به فشارهای روحی که این روزه اکثر افراد جامعه درگیر آن هستند شناسایی کرد. بر اساس این تفاوت‌ها هر یک از زوجین نیازهای مختص به خود و نقشی در خانواده ایفا می‌کند. زمانی که همسران از تفاوت‌های همدیگر آگاهی داشته باشند کردار و گفته‌های یکدیگر را بهتر تفسیر می‌کنند و نقش خود را به عنوان یکی از اعضای خانواده به نحو مطلوبی اداء می‌نمایند در نتیجه سازگاری و سازش در سطوح مختلف زندگی مشترک میان زوجین افزایش می‌یابد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، محمدرضا «تفاوت مرد و زن از منظر روانشناسی و متون دینی» معرفت، ش ۹۷ (۱۳۸۴).
۳. افلاطون، فواد روحانی «جمهور» تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم (۱۳۹۳).
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه» قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث (ع) (۱۴۱۶).
۵. حسین‌زاده، عای «تفاوت مرد و زن: نقش و کارکرد آن» معرفت، ش ۱۷۴ (۱۳۹۱).
۶. حسینی، غلامحسین «تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد (بدن، روان و هوش)» ش ۱۷ (۱۳۷۹).
۷. دی آنجلس، باربارا، مجید صباغی «رازهایی درباره مردان» قم: ارمغان گیلار، چاپ نوزدهم (۱۳۹۳).
۸. رحماندوست، منصوره «شناخت تفاوت‌های زن و مرد جهت بهبود زندگی مشترک» تهران: انتشارات کتاب نیستان (۱۳۹۷).
۹. رحیمی یگانه، زهرا «خانواده موفق» تهران: انتشارات حدیث راه عشق (۱۳۸۹).
۱۰. ساداتیان، اصغر «مسائل و مشکلات زنانشویی و راهکارها» تهران: انتشارات ما و شما (۱۳۹۲).
۱۱. شعاع کاظمی، مهرانگیز «روانشناسی زن و خانواده» تهران: انتشارات آوای نور (۱۳۹۷).
۱۲. صادقی فسایی، سهیلا «تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری» فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ش ۱ (۱۳۹۲).
۱۳. علاسوند، فریبا «فقه زنان نگاهی گذرا به مبانی و تفاوت‌ها» خردنامه همشهری، ش ۲۶ (۱۳۸۷).
۱۴. قرائت لیلا و همکاران «مهارت‌های ارتباطی همسران» اصفهان: انتشارات فرهنگ پژوهان دانش (۱۳۸۷).
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب «الکافی» تهران: دار الکتب الاسلامیه (۱۳۶۳).
۱۶. گری جان، بهزاد رحمتی «نیاز زنان خواسته مردان» تهران: انتشارات تلاش، چاپ سوم (۱۳۹۲).

۱۷. —، —، لوئیز عندلیب و اشرف عدیلی «مردان مریخی زنان ونوسی: راهنمای روابط زناشویی» تهران: انتشارات فرهنگ اندیشمندان (۱۳۹۲)
۱۸. —، —، مهدی قراچه داغی «زن، مرد، ارتباط» تهران: انتشارات دایره (۱۳۹۹).
۱۹. —، —، جان، مهدی قراچه داغی «مردان مریخی زنان ونوسی: چگونه روابط زناشویی خود را بهبود بخشیم» تهران: انتشارات ذهن آویز، چاپ شصت و یکم (۱۳۹۷).
۲۰. مجلسی، محمدباقر «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)» بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۸.
۲۱. محمدی، مسلم «تحلیل تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد در علوم تجربی و آموزه‌های دین» فصلنامه انسان‌پژوهی دینی، ش ۲۹ (۱۳۹۲)
۲۲. مطهری، مرتضی «نظام حقوق زن در اسلام» تهران: انتشارات صدرا، چاپ شصت و دوم (۱۳۹۱).
۲۳. هارلی اف، ویلارد لیلا ماندگار «نیازهای مردان، نیازهای زنان» تهران: انتشارات آئینه بهار (۱۳۹۰).

Ignoring gender differences and their relationship with marital incompatibility

Mojtaba Mohsena Tabar Firouzjaei¹

Date of Receipt: 2022/03/26 Date of Issue: 2022/04/26

Abstract

Among the important topics in family matters; Recognition of gender and developmental differences between men and women can be studied and researched in its various dimensions. This article aims to accurately identify these differences in different dimensions of thought, response to mental stress, emotional and natural needs, in addition to proving the unity of their human value, their heterogeneous function is determined to recognize these differences, couples living together Experience happy and satisfying coexistence. The present research has been done by documentary method and descriptive-analytical method based on studies of scientific and religious sources. Marriage is the union of two different individuals, each with a separate source framework, from which their views, values, and tastes are rooted, and who ultimately concludes that the differences between men and women are proportionality, not violation and perfection. The law of creation requires these differences. Greater fit between men and women, which is definitely made for living together.

Keywords

Differences between men and women, family, developmental differences

1. Master, Department of Islamic Education, Urmia University, Urmia, Iran.